



شرلی جکسن

گردآورنده استنلی ادگار هایمن

بهمراه من بیا

چند بخش از این رمان، چهارده داستان کوتاه

و سه سخنرانی همراه با دو داستان

ترجمه‌ی بهرام فرهنگ

- جهان‌نو



apier aus v.
ungsvollen Quellen
www.iranicaonline.org

نشان استاندارد - پالک سوند

سرشناسه: جکسن، شرلی، ۱۹۱۵-۱۹۹۰ م.
Jackson, Shirley

عنوان و نام پدیدآور: همراه من بیا: چهل و یک داستان کوتاه و سه سخنرانی
همراه یادداشتان / شرلی جکسن: گردآورنده اصلی ادگار، هایمن؛ ترجمه‌ی بهرام فرهنگ.
مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۳۱۵ ص.
شابک: 978-600-229-330-5

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Come along with me: part of a novel, fourteen stories, and
three lectures, 1968.

موضوع: داستان‌های کوتاه آمریکایی -- قرن ۲۰ م.

شناسه‌ی افزوده: هایمن، استنلی ادگار، ۱۹۷۰-۱۹۱۹ م.، گردآورنده

شناسه‌ی افزوده: Hyman, Stanley Edgar

شناسه‌ی افزوده: فرهنگ، بهرام، ۱۳۲۹ - مترجم

رده‌بندی کنگره: PS۳۵۱۳/ک۵۸۱۳۹۴

رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۵۴

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۵۴۸۷۰۰



cheshmehpublication



telegram.me/cheshmehpublication

www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشر چشمه: ادبیات - داستان غیرفارسی - مجموعه داستان آمریکایی

همراه من بیا
چند بخش از یک رمان،
چهارده داستان کوتاه و
سه سخنرانی همراه با داستان
شرلی جکسن
گردآورنده: استنلی ادگار هایمن
ترجمه‌ی بهرام فرهنگ
ویراستار: سمیده رضوی

مدیر هنری: مجید عباسی

لیتوگرافی: باختر

چاپ: دالاهو

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۵، تهران

ناشر ایرانی چاپ: یوسف امیرکیان

حق - اثر - انتشار محوطه و مجری نشر چشمه است.

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر بدون مجوز نشر چشمه درجیته دریافت اجاره‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۰-۲۲۹-۳۲۰۵

تلفن دفتر انتشارات: ۸۸۹۱۲۱۸۴-۵

تلفن دفتر فروش نشر چشمه:

۶۶۴۹۲۵۲۴

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان وحید نظری، پلاک ۲۰

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی مرکزی:

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نیش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷.

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کوروش:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نیش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کوروش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴.

تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸-۹۰

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، نرسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظی، نیش خیابان قنار مقدم.

مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲.

تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵-۷

فهرست

۹	مختصری درباره‌ی مرلی چاکلن
۱۳	پیش‌گفتار مؤلف
۱۵	همراه من بیا
۵۱	چهارده داستان
۵۳	جنیس
۵۵	دربه‌دري توتی
۶۳	گل‌کلمی به موهایش
۶۹	می‌دانم چه کسی را دوست دارم
۸۴	غریبه‌ی زیبا
۹۴	خانه‌ی بیلاقی
۱۱۱	جزیره
۱۲۶	دیدار
۱۵۳	صخره
۱۷۵	یک روز در جنگل
۱۹۱	پیژامه‌پارتی
۲۰۶	لونی‌زا، خواهش می‌کنم برگردد
۲۲۶	خانه‌ی کوچک
۲۳۷	اتوبوس
۲۵۳	سه سخنرانی، همراه با دو داستان
۲۵۵	تجربه و داستان

۲۶۸	شبی که همه مان آنفلوآنزا گرفته بودیم
۲۷۵	بیوگرافی یک دامستان
۲۹۲	بحث آزمایی
۳۰۳	توصیه هایی به نویسندگان جوان

www.ketab.ir

مختصری درباره‌ی شرلی جکسن

شرلی جکسن در سال ۱۹۱۶ در شهر سائفرانسيسکوبه دنیا آمد. در دوران کودکی خاطراتش را می‌نوشت. در نوجوانی به نوشتن داستان کوتاه و شعر علاقه‌مند شد. در هفده سالگی با خانواده‌اش به شهر رچستر [ایالت] نیویورک نقل مکان کرد و در دانشگاه پژوهشی سیراکیوز در رشته ادبیات انگلیسی مشغول به تحصیل شد.

نخستین داستانش، جَنیس را در سال ۱۹۴۰ در نشریه‌ی دانشگاه منتشر کرد، دبیر بخش داستان آن نشریه شد، و در همان سال با همسر آینده‌اش استنلی ادگار هایمن (یکی از همکلاسی‌هایش که بعدها منتقد ادبی سرشنایی شد) آشنا شد. در سال ۱۹۴۰، پس از آن‌که هر دو فارغ‌التحصیل شدند ازدواج کردند. در دهه‌ی گریجویج نیوانگلند، و سپس، در سال ۱۹۴۵، به خانه‌ی قدیمی بزرگی در بنینگتون شمال واقع در ایالت ورمونت نقل مکان کردند. شرلی جکسن و شوهرش با برخی از جذاب‌ترین شخصیت‌های ادبی دوران خود، از جمله رالف الیسون، ج. د. سلینجر، برنارد مالامو، هاوارد نمف، و دیلن توماس دوست بودند و پیایی آنان را به میهمانی‌های خانگی پرشور خود دعوت می‌کردند. شرلی جکسن تا پایان عمر با شوهر و چهار فرزندش در آن خانه، در میان حدود سی هزار جلد کتاب زندگی کرد. او در سال ۱۹۶۵ (در چهل و هشت سالگی) در خواب دچار حمله‌ی قلبی شد و درگذشت.

آثار شرلی جکسن شامل شش رمان، در حدود ۱۶۰ داستان کوتاه (که در نشریه‌های مختلفی از قبیل نیویورکر، نیو ریپابلیک، ریدرز دایجست، و چندین مجله‌ی ویژه‌ی زنان چاپ می‌شد و بعدها به صورت چند مجموعه داستان گردآوری و منتشر شد)، بیش از بیست مقاله، چهار کتاب کودک، و دو شرح حال شخصی است (زندگی در میان وحشی‌ها، و بزرگ کردن تخم‌چن‌ها که هر دو را در قالب طنز درباره‌ی زندگی خانوادگی و فرزندانش نوشته است).

نویسندگانی چون برنارد مالامود، آیزاک باشویس سینگر، دوروتی پارکر، و دیلن توماس بارش‌ها را به‌خوبی شناسوده‌اند، و به‌نظر برخی از منتقدان شرلی جکسن بر کار نویسندگانی چون استیون کینگ، ای. ال. الیوت، نیل گیمن، ریچارد ماتیسن، کلی لینک، و جانائان لیتیم تأثیر گذاشته است. استیون کینگ، که در فرصت‌های مختلف از شرلی جکسن تمجید کرده است (از جمله در کتاب *آتش افروز خود را به او تقدیم کرده است*)، و به تأثیر او بر کارش اذعان دارد، رمان در *شش*^۱ خود را (که استنلی کوپرلیک از روی آن فیلمی با همین عنوان ساخت) از خانه‌ی ارواح^۲ او الهام گرفته است.

شوهر شرلی جکسن، استنلی ادگار هارمز، در مقدمه‌ی یکی از مجموعه داستان‌های او که پس از مرگش گردآوری کرده است درباره‌ی او می‌گوید «هیچ وقت حاضر نمی‌شد به هیچ طریقی درباره‌ی آثارش مصاحبه کند، توضیح دهد یا بیغ کند، یا جایگاهی اجتماعی کسب کند و به عنوان صاحب‌نظر در ضمیمه‌های یکشنبه‌ها روزنامه‌ها مطرح شود. او بر این باور بود که با گذشت زمان کتاب‌هایش با وضوح کافی به جا خواهند ماند.»

می‌توان گفت که نظر او در واقع درست از آب درآمده است. همدیگه شتاب به این سو منتقدان آثار جکسن را به‌طور جدی‌تری مورد توجه قرار داده و کتاب‌ها را ساله‌های یاری درباره‌ی ژانر، سبک و کیفیت کار او نوشته‌اند.^۳ شرلی جکسن، که از نویسندگان پرکار و پرفروش دوران خود به‌شمار می‌رفت، آثار ناشناخته‌ی بسیاری نیز از خود به‌جا گذاشته که

۱. *The Shining*

۲. رمان *The Haunting of Hill House* (۱۹۵۹).

۳. به عنوان نمونه، کتاب جودی اونهدایر درباره‌ی زندگی و آثار او (۱۹۸۸)، قصه‌های خارق‌العاده‌ی ملرون اِس-تی. جلیس (۲۰۰۱)، بررسی جامع آثار جکسن، گوئیک امریکایی شرلی جکسن، داریل هانتهاور (۲۰۰۲)، شرلی جکسن: مقالاتی درباره‌ی میراث ادبی او جکسن برنيس ام. مورفی (۲۰۰۵).

برخی از آن‌ها در دهه‌ها و سال‌های اخیر کشف، گردآوری و منتشر یا آماده‌ی انتشار شده است. چندین سال پیش شوهر شرلی جکسن ۲۶ کارتن از نوشته‌های دسته‌بندی‌نشده‌ی او را (حاوی داستان‌ها، پیش‌نویس‌ها، طرح‌های داستانی و همچنین نقاشی‌های سیاه‌قلم ساده‌ای که گاه‌به‌گاه کشیده بود) به کتابخانه‌ی کنگره سپرد. دو تن از فرزندان او، لارنس و سارا از میان آن‌ها سی و دو داستان منتشر نشده پیدا کردند و در سال ۱۹۹۶ همراه با بیست و دو داستان گردآوری‌نشده به صورت مجموعه‌ای (*Just an Ordinary Day*) منتشر کردند. اخیراً نیز تعدادی داستان، اثر غیرداستانی، سخنرانی و نقاشی سیاه‌قلم از او به دست آورده و به صورت مجموعه‌ای تدوین کرده و برای انتشار به رندوم هاوس داده‌اند که قرار است در سال آینده (۲۰۱۵)، هم‌زمان با پنجاهمین سالروز درگذشتش منتشر شود.^۱ روث فرانکلین (منتقد ادبی) نیز استاندیارد نوشتن زندگی‌نامه‌ی مفصلی از شرلی جکسن است که در سال ۲۰۱۶ منتشر خواهد شد. دو زندگی‌نامه‌ی دیگر هم در سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۸۸ درباره‌ی او نوشته شده است.^۲

آثار پیش‌تر منتشرشده‌ی شرلی جکسن نیز اخیراً رونق و رواج تازه‌ای پیدا کرده و پس از سال‌های متمادی نخستین بار است که همه‌ی آن‌ها به طور هم‌زمان در دسترس خوانندگان قرار گرفته است.^۳ علاوه بر آن، اخیراً فرزندان شرلی را برای ساخت باله، موزیکال و نمایش از روی آثار او داده‌اند و در مورد چند اقتباس سینمایی نیز در حال مذاکره‌اند.^۴ البته، پیش از این هم با اقتباس از رمان‌های شرلی جکسن فیلم سینمایی تهیه شده بود. از روی رمان خانه‌ی ارواح در سال ۱۹۹۹ فیلمی سینمایی ساخته شد. در سال ۱۹۶۳ نیز رابرت وایز از این رمان فیلم ساخته بود. حتی با اقتباس از رمان ناتمام هم به فیلم هم در سال ۱۹۸۲ فیلمی سینمایی به کارگردانی جوآن وودوارد ساخته شد (همسر و دواد).^۵ نیومن هم با صدایش نقش روح هیویی را در این فیلم ایفا کرده است. همچنین، در سال ۲۰۰۹ کمپانی فیلم‌سازی مایکل داگلاس (Further Films) دست‌اندرکار برنامه‌ریزی برای ساختن فیلمی سینمایی از رمان ما همیشه قلعه‌نشینان او بوده است.

۱. منبع: وبسایت ArtsBeat مربوط به بخش‌های فرهنگ و بررسی کتاب نیویورک تایمز، ۱۴ آوریل ۲۰۱۴. «در رقابت بر سر عرضه‌ی آثار منتشرشده‌ی شرلی جکسن به خوانندگان، رندوم هاوس برنده شده است...»

۲. به قلم Judy Oppenheimer و Lenemaja Friedman

۳. از مصاحبه‌ی لارنس هایمن (پسر شرلی جکسن) با مجله‌ی نیویورکر، ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۴.

۴. همان.

از سال ۲۰۰۷، برای قدردانی از شرلی جکسون و آثارش، جایزه‌ای ادبی به نام او بنیان گذاشته شده است که در کنفرانس سالانه نویسندگان (Readercon)، که ویژه‌ی «ادبیات تخیلی» است، به شش نویسنده در شش رده‌ی رمان، رمان کوتاه، داستان بلند، داستان کوتاه، مجموعه داستان (از یک نویسنده)، و گلچین (گردآوری شده از آثار چند نویسنده) که در یکی از ژانرهای تعلیق روانی، وحشت، یا فانتزی سیاه موفقیت قابل توجهی کسب کرده‌اند اهدا می‌شود.

(همه‌ی پانوشته‌ها از مترجم است.)

بهرام فرهنگ

www.ketab.ir

پیش‌گفتار مؤلف

همراه من بیارمان، تمامی است که شرلی جکسن، همسر مرحوم، در سال ۱۹۶۵ (سالی که چشم از جهان فرو بست) روی آن کار می‌کرد. از شش بخش موجود سه بخش نخست را بازنویسی کرده است. سه بخش دیگر پیش‌نویس اولیه است.

چهارده داستان کوتاهی که در این مجموعه آمده است از میان حدود هفتاد و پنج داستان گردآوری نشده، به عنوان بهترین، یا داستان‌هایی که بهتر از همه دامنه و تنوع کار او را در طول سه دهه نشان می‌دهد انتخاب شده است. بیشتر این داستان‌ها، با اندکی تغییر، و در چند مورد با عنوان‌های متفاوت، پیشنهاد سردبیران در مجلات چاپ شده‌اند. از این‌رو، داستان دیدار در این‌جا با عنوان و تقویم اصلی‌اش عرضه شده است. عنوان صفحه را من برای داستانی که به صورت پیش‌نویس اولیه و بدون عنوان پیدا شد انتخاب کردم. به نظر من داستان بسیار گیرایی است، نمی‌دانم چرا آن را انداخته شده بود. جنس احتمالاً کوتاه‌ترین داستان کوتاهی است که تاکنون نوشته شده است. شرلی جکسن این داستان را هنگامی که دانشجوی سال دوم دانشگاه سیراکیوز بود نوشت و در مجله‌ی ترشولد، که کلاس داستان‌نویسی‌شان منتشر می‌کرد، چاپ شد. در آن زمان من این داستان را تحسین کردم و این منجر به ملاقات و آشنایی ما شد. فکر می‌کنم تا اندازه‌ای از روی احساسات این داستان را در این مجموعه آورده‌ام، گو این‌که ایجاز و قدرت آن حاکی از مهارتی است که بعدها در کار او نمایان شد.

سه سخنرانی چاپ شده در این مجموعه را شرلی جکسن در سال‌های آخر زندگی‌اش در کالج‌ها و کنفرانس‌های نویسندگان ایراد کرده است. شبی که همه‌مان آنفلوآنزا گرفته بودیم را با آن‌که یک بخش از کتاب زندگی در میان وحشی‌ها است پس از سخنرانی «تجربه و داستان» آورده‌ام چون شرلی جکسن همیشه آن را به دنبال این سخنرانی می‌خواند، و به نظر من با مزه‌ترین مطلبی است که بعد از زندگی و مصایب من جیمز تریبر^۱ نوشته شده است. داستان معروف بخت‌آزمایی را هم که همیشه به دنبال سخنرانی بیوگرافی یک داستان می‌خواند، با در نظر گرفتن این احتمال اندک که بعضی از خوانندگان با آن آشنا باشند، به همان ترتیب پس از آن سخنرانی آورده‌ام.

داستان همراه من بیا به خواست خود شرلی جکسن به دوست و کارگزار خوبش کارول برانز تقدیم شده است.

با حق شناسی سیر اذعان می‌کنم که برای گردآوری، انتخاب و ویرایش محتوای این کتاب خود را مرید کمک‌های فرزندانم، بَری و سارا هایمن و همسر فعلی‌ام فیبی پتینگل می‌دانم.

استنلی ادگار هایمن